

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

زندگی در دل مرگ!

بر گهای پژمرده و رنگ پریده که هر يك سندی از ناپایداری وضع جهان ناپایدار است همراه تند باد فصل خزان بهر سو پراکنده میشود ، و بجای نمه شور انگیز مرقان خوشخوان و زمزمه ریزش آنها ؛ ناله رقت انگیز شاخه های مریان که زیر تازیانه های طوفان پائیز که بر تن برهنه و مریان آنها نواخته میشود پشت خم کرده و گویا از هر راهگذری استمداد می طلبند ؛ بگوش میروند ، در هر سو قیافه افسردگی ، پراکندگی ، ویرانی و خاموشی خودنمایی میکند .

راستی این منظره . منظره خزان طبیعت . برای هر بیننده ای حزن آور و غم انگیز است ، مخصوصاً برای کسانی که هنوز خاطره بهار ، و شور و جنبش حیاتی آنها در صفحه زمین فراموش نکرده ، و هنوز وزش نسیم جان بخش بهاری را که با طغر گلها آمیخته و شکوفهها و گلبرگهای لطیف و گیاهان نورسته را نوازش میدهد از یاد نبرده ، و لرزش نفاط انگیز آنها بر صفحه صورت خود احساس میکنند ... آری این صحنه راستی غم انگیز است .



اما غم انگیز تر از آن ، صحنه خزان عمر بزرگه مردی است که سالیان دراز بر سر اجتماعی سایه پر شکوه و با ابهتی افکنده ، و پر شاخسار وجود او انواع گلهای فضیلت و تقوی ، پاکي و خدا پرستی ؛ اراده و تصمیم ؛ عاطفه و محبت ، روئیده ، و اجتماع بزرگی از میوه های علم و دانش او همواره بهره مند شده ، و در پیرامون وجود خود تاشع زیادی نهالها و گلهای دیگری تربیت کرده است ، در چنین خزانی ، جهانی دافقدار و عزادار میشود .

با اینکه انس و علاقه های را که انسان به جنبش حیاتی طبیعت در چند ماه بهار و تابستان پیدامیکند آنقدر ریعه دار نیست ، اما فراقش آنقدر حزن آور است ، با اینحال فکر کنیته دل برداشتن از چنان رادمرد بزرگی که قریب نود سال اجتماع عظیمی با ودل بسته ورشته معنوی محکمی ؛ پیوند های ناگسستی میان او و آنها برقرار ساخته است چقدر جانکاه و دلخراش

و دردناک است .



آنچه درباره خزان طبیعت و خزان عمر مردان بزرگه والہی گفته شد از يك نظر صحیح و غیر قابل انکار است و تمام سوگواریهایی که هنگام فقدان آنها میشود همه روی همین حساب است .

اما بایک نظر دقیقتر این جریانات هم بنوبه خود یکی از مراحل تکامل و ترقی در صحنه آفرینش و صحنه اجتماع انسانی است .

از نظر يك دانشمند گیاه شناس خزان مقدمه یکک بهار خرمتر و پر طراوت تری است زیرا هنگامیکه دست تپاول تند باد خزان گلها را پرپر کرده بهر سو پراکنده میکنند بظاهر از بین میبرد در همان وقت تخمهای گیاهانرا که در دل گلهای نهفته است بهمراه خود بهر سو میبرد و در هر طرف میپاشد ؛ زمین این تخمها را که بسیاری از آنها از يك تخم بوجود آمده در دل خود نگاهداری کرده و در يك محیط مرموز آهسته آهسته تربیت میکند ، نور آفتاب و باران زمستان و هوای ملایم و سرد را بهمکاری دعوت کرده و همراه وزش نیمهای بهاری حیات و زندگی را - در يك محیط وسیعتر و دامنه دار تر - آغاز میکند ، و باین ترتیب از يك گل گلهای و از یک گیاه گیاهان فراوانی میروید ؛

مردان بزرگی که در طول حیات پر برکت خود بذرای علم و دانش ، تقوی و فضیلت را در دلهای آماده هزاران شاگرد مکتب خود افشاندند و عمر خود را وقف تعلیم و تربیت دانشمندانی با شخصیت نموده اند ، خزان عمر نه تنها فروغ و تابش آنها را کسم نمیکند ، بلکه نام آنها ، اسرار مکتب آنها ، شرح زندگی و ملکات آنها ؛ همراه طوفان مصیبت مرگ آنها با اطراف جهان پراکنده می شود و در شرق و غرب عالم در دلهایی که با نام آنها آشنا نبود یا که تر آشنایی داشت افشاند میشود ، و باین ترتیب زندگی و حیات معنوی آنها در يك شعاع بزرگتر پی ریزی میگردد . اینگونه مردان نه فقط نمرده اند بلکه بسرعت رو بطرف هدف اصلی آفرینش - کمال و ترقی و سعادت - پیشروی میکنند ؛ این همان حقیقتی است که باید آنرا « زندگی در دل مرگه » نام نهاد و بزرگه پیشوای عالم اسلام و امیر مؤمنان علی ، علیه السلام درباره آن فرموده : **«والعلماء باقون ما بقی الدهر اعیانهم بمفقوده و امثالهم فی القلوب موجوده»** ؛ دانشمندان تا ابد زنده اند ؛ جسم آنها از نظر پنهان ولی هزاران نقش آنها بر صفحه دایها برای همیشه باقی است .

یکی از نمونه‌های بارز این موضوع ، حیات و رحلت زعیم بزرگ جهان تشیع حضرت
آیه الله العظمی آقای پروچردی قدس سره بود .

* * *

* روزی که جشن وعزا بهیم آمیخته شد .

در کنار مسجد اعظم - مسجدی که یکی از بزرگترین و باشکوه‌ترین بناهای اسلامی است
و بر پیشانی طاق ایوان بزرگ آن این جمله با خطوط طلائی جلب توجه میکند : « بر حسب اراده
حضرت آیه الله پروچردی منظره در سال ۱۳۷۴ بنیاد گردید » - آری در کنار این
مسجد کتابخانه آبرومند و بزرگی بعنوان (آمیختن علم و عمل) که شماره‌الی اسلامی است بدست
همان مرد بزرگ که بنیاد آن مسجد را گذارده ساخته شده که هنوز هم از آن بهره برداری نشده
است .

روز جمعه چهارم فروردین ماه این خبر در حوزه علمیه قم منتشر شد که زعیم بزرگ حوزه
علمیه در یک جلسه خصوصی با حضور جمعی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه این کتابخانه بزرگ را
بادست با کفایت خود افتتاح خواهد کرد . مدعوین خود را برای شرکت در این مراسم آماده
کرده بودند اما وقتی بدرپ کتابخانه آمدند بسته بود و یک نفر مراقب آنها بود که در پاسخ سؤال -
کنندگان بالهن تائز آمیزی میگفت : « چون آقا کسالت پیدا کرده اند افتتاح کتابخانه بجمه
موکول شد » .

از همان روز زمره کسالت آیه الله در همه جا بیچید و عموم مردم شهرستان قم بخصوص
اساتید حوزه علمیه و دانشجویان این دانشگاه بزرگ روحانی را در یک حالت اضطراب و نگرانی
عمیق فرود برد . آن روز تا نیمه شب دسته دسته برای استفسار حال آیه الله به منزل ایشان می رفتند ،
وقتی می شنیدند کسالت ایشان یک عارضه قلبی است نگرانی و اضطراب آنها بیشتر میشد .

این خبر بزودی وسیله جراثمدورادپو و مسافری در همه جا پخش شد و در همه جا بانگرانی
فوق العاده بعنوان یک خبر نأسف آور تلی گردید . محال دعا فوراً تشکیل شد و پیرو جوان ،
کوچک و بزرگ با دلوای خسته و چشمهای اشکبار در این مجالس حضور یافته و باز گشت سلامت
پیشوای روحانی و دلسوز خود را از درگاه خداوند متعال می خواستند .

بموازات این جریان پزشکان متخصص قلب از مرکز برای همکاری با پزشکان قم حرکت
کرده و حتی از فرانسه ، یکی از پزشکان متخصص قلب که معروفیت جهانی دارد برای
رهبری جلسات شورای پزشکی بنا بدعوت دولت ایران آمد و در فاصله کوتاهی خود را

بمنزل حضرت آیت‌الله رسانید .

در همین موقع جمعی از روحانیین بزرگه شهرستانها و نمایندگان آیت‌الله با عجله هرچه تمامتر روانه قم شدند و همراه بزرگان حوزه علمیه و وجوه اهالی شهر دسته دسته برای عیادت بمنزل پیشوای بزرگه شیعه روی آوردند ؛ حوادث و اخبار قم در رأس اخبار کشور قرار گرفت و همه با بی‌صبری در انتظار پیام بهبودی آیت‌الله بودند .
دو سه روز بیشتر از این جریان نگذشت که خبر تخفیف کسالت و بهبودی نسبی آیت‌الله در بیرونی منزل ایشان منعکس گردید . و از آنجا هوسپله رادیو و جرائد درهمه جا منتشر شد . مجالس دعا جای خود را بمجالس جشن و شادمانی سپرد ؛ در بازار و خیابان‌های قم و بسیاری از مساجد و تکایای تهران و سایر شهرستانها مراسم چراغانی و جشن بر پا گردید . گفتگوی مسلمانان با یکدیگر این بود که در آستانه این سال نو که مصادف با عید بزرگه و با شکوه اسلامی «عید فطر» بود خداوند عید دیگری برای ما فراهم ساخت و آن بهبودی و تخفیف کسالت آیت‌الله بود ؛ و از اینکه «سه‌عید» در آستانه این سال بهم آمیخته شد شادی میکردند .

بشکرانه بهبودی پیشوای بزرگه شیعه عده‌ای از مستمندان را اطعام و در قم نان یک‌روز اربان کردند و این موهبت عظمی را همه بهم تبریک میگفتند .

این هیجان و شور همچنان ادامه داشت ولی صبح روز پنجشنبه ۱۳ شوال مصادف با ۹ فروردین ماه هنگامیکه مردم از منزل بیرون آمدند با منظره دلخراش و رقت‌انگیزی روبرو شدند پرچم‌های رنگین همه برچیده شده و پرچم‌های سیاه در هر طرف به چشم میخورد . برخورد باد باین پرچمها زمزمه مخصوصی تولید می‌کند که گویا خبر از حادثه‌جا نگاه و فوق‌العاده دردناکی میدهد . صدای تلاوت قرآن از بلندگوهای شهر بگوش میرسد آیه‌هایی که تلاوت میکنند بیشتر آیات مربوط بمرگه ، مصیبت و روز رستاخیز است . مردم دسته دسته دوهم جمع شده با بهت و حیرت از یکدیگر سؤال میکنند . اما بزودی معلوم شد که شمیمان جهان بزرگترین رهبر روحانی خود را در حدود ساعت هفت و نیم صبح از دست داده‌اند

گرچه در هر مائمی خیزد غمی

فرق دارد مائمی با مائمی !

تمام جریانهای عادی شهر فوراً بهم خورد و شهر بکلی تعطیل شد ، مردم همه دست از

کار کشیده و انبوه جمعیت بطرف خانه زیم بزرگ شیمه هجوم آوردند و حجه و ناله‌ای از جمعیت بلند بود که در دویار شهر را تکان میداد. منزل بیرونی آیه‌الله کوچکه های اطراف بزودی پر شد و عبور و مرور تا شام زیادی بزحمت انجام می گرفت.

در منزل آیه‌الله لطف‌های يك سكوت مرگبار و بهت آمیز حکمفرما بود. آری هنگام بحران مصیبت انسان چنان دست‌های خود را گم می کند که از شدت تأثیر يك حالت سکوت که نشانه بهت زدگی است باو دست میدهد اما چیزی نگذشت که عمر این سکوت پسر آمد. و جای خود را بشور و هیجان عجیب داد، هیجان و شوری که راستی هیچ نویسنده توانایی نمیتواند آنرا روی صفحه کاغذ مجسم کند. گویا دلها از جا کنده شده بود. سیلاب اشک از چشم بیرو و جوان و زن و مرد سرازیر بود. هر کس برای خود زمزمه‌ای داشت.

این خبر جانگناه بفاصله یک ساعت در تمام دنیا وسیله رادیو منعکس گردید. از شهرستان های اطراف قم جمعیت از جا کنده شد و هر کس با هر وسیله نقلیه‌ای که بان دسترس داشت سعی می کرد خود را هر چه زودتر بقم برساند. سیل خبرنگاران داخلی و خارجی برای تهیه رپورتاژها از بزرگترین حادثه‌ای که نظیر آنرا تا کنون در ایران و در بسیاری دیگر از نقاط دنیا ندیده بودند و از هر لحاظ برای آنها تازگی داشت بسوی قم سرازیر شد.

اما پرائر هیجان و شور و هیجیبی که در جمعیت حکمفرما بود بزحمت می توانستند مطالب را بدست آورد و عکسهای مطلوب خود را تهیه کنند، و چنان تحت تأثیر جریان واقع شده بودند که غالباً کنترل خود را از دست داده، و در این مراسم در میان جمعیت گم شده بودند جاده‌های خارج شهر که بقم منتهی میشد از وسائل نقلیه موج میزد و تمام غیابانهای خلوت شهر از وسائل نقلیه پر شده بود. بسیاری از کسانی که خودشان از نزدیک ناظر بودند نقل کردند که رشته اتومبیلها در طول جاده تهران و قم قطع نمیشد و مانند يك عطلت نجیری که تهران را بقم وصل کند وسائل نقلیه در این جاده ۱۴۰ کیلومتری پشت سر هم قرار داشتند.

هیجان وقتی با علی در جاده رسید که بدن حضرت آیه‌الله را در منزل غسل داده و از آنجا حرکت دادند. جمعیت فوق‌العاده زیادی که خود را برای تشییع جنازه پیشوای عزیزشان آماده کرده بودند، با بدن صماری پیشوای بزرگه خود که روی دستها پلته بود شور و هیجیب رفیع قابل توصیفی پیدا کردند. تعداد جمعیت در حدود دویست هزار نفر تخمین زده ولی باید توجه داشت چون حدود نیم ساعت بعد از ظهر آن جنازه مقدس را حرکت دادند در حالی که قبلاً شایع بود مراسم تشییع جنازه قبل از ساعت ۲ بعمل نخواهد آمد، لذا عصاب



در این عکس گوشه‌ای از انبوه تشیع کنندگان را ملاحظه میکنید تعداد جمعیت را در این تشیع بی سابقه دویست هزار نفر تخمین زدند.

از شرکت در آغاز تشییع محروم ماندند

با اینکه فاصله میان منزل آیه الله و صحن مقدس حضرت معصومه (علیها السلام) که بنا بود بدن آیه الله را با آنجا ببرند شاید بیش از ۵۰ متر نبود؛ ولی دو ساعت طول کشید تا بدن زعیم بزرگ شیعه، بصحن مقدس رسید.

تمام علماء و بزرگان حوزه علمیه قم؛ نخست وزیر و جمعی از وزراء و رجال طراز اول کشور، رؤساء تمام دوائر دولتی و تمام وجوه شهر و بسیاری از شخصیت‌های بزرگ ایرانی و غیر ایرانی که از خارج اترک، آمده بودند در این تشییع جنازه فراموش نشدنی شرکت داشتند. هیجان و شور جمعیت بحدی بود که حتی رجال بزرگه دینی و کشوری که در مراسم شرکت نموده بودند با همه مراقبتی که مردم نسبت با هاشمی نمودند از قناری جمعیت فوق العاده در زحمت بودند و با زحمت زیاد خود را بصحن مقدس رسانیدند.

* * *

هیجان بی نظیر!

شاید مناسبترین جایی که این کلمه (هیجان بی نظیر) را میتوان در آن بکار برد همین جریان تشییع آیه الله العظمی آقای بروجردی باشد. فشار جمعیت بقدری بود که چوب‌های محکم عمارتی که تابوت اصلی در آن قرار داشت بزودی شکسته شد و قطعات آن را از میان جمعیت بیرون بردند.

مردم از قوت هیجان احساسات و شدت علاقه‌ای که نسبت به پیشوای عزیز خود داشتند، و تأثیر فوق العاده‌ای که از مرگ آن زعیم بزرگ با آنها دست داده بود؛ عمامه آیه الله را که روی عمارتی گذارده بودند قطعه قطعه کرده و هر یک قطعه‌ای از آن را بعنوان تبرک بردند پارچه‌های سیاهی که پوشش عمارتی را تشکیل میداد تمام بهمین صورت درآمد. لذا در عکسهای تشییع که در روزنامه‌ها منعکس گردیده چوب‌های عمارتی که در لحظات اول شکسته بودند بصورت لیخت و زنجیره دیده میشود؛ و شاید بعضی تصور کنند هنگامیکه عمارتی را از منزل حرکت دادند باین صورت بوده؛ نه؛ چنین نبود؛ فشار جمعیت، موافق تحریک شده، از دست دادن کنترل احساسات چنین صحنه‌ای را بوجود آورد.

حتی در صحن مقدس که تابوت اصلی را از عمارتی شکسته بیرون آورده بودند نزدیک بود بر اثر فشار جمعیت آنهم بشکند. آری مردی که یک عمر با آزادی زندگی کرد و همواره در دل و قلب مردم جای داشت مانعی هم نداشت که از تابوت بدنش آزاد گردد و مردم خود آن بدن پاک را بروی دست ببرند...

این مطلب تقریباً بر همه مسلم بود که جمعیت با آن کثرت و با آن هیجان بیچوجه قابل کنترل نیست و هر گونه کوشش برای کنترل کردن آن ، بی اثر میماند ، فقط باید با سیر طبیعی خودش بدن را بصحن مقدس برساند این جمعیت پر شور راستی همه نظمهای ظاهری را در خود هضم کرده بود اما از یک نظم معنوی که همه آنها را بسوی یک هدف مقدس ، یکهدف بزرگه و قابل ستایش ؛ دعوت می کرد برخوردار بودند ؛ لذا کوچکترین نزاع و تصادمی در میان این جمعیت انبوه دیده نشد .

باید بر بدن نماز خوانده شود

اکنون باید بر بدن زهیم شیمه نماز خوانده شود ، ولی تنظیم صفوف جماعت در این گیرودار کار فوق العاده مشکلی است ؛ بلندگوهای صحن مرتباً مردم را با آرامش و مهیا شدن برای نماز دعوت می کنند ؛ اما پیش از یکساعت طول کشید تا جمعیت مختصر آرامشی برای نماز پیدا کرد .

فرزند ارشد آیه الله که در یک حال بحرانی عجیبی بسر میبرد باید بر جنازه پدر هالیتقدر خود نماز بخواند ، هوا منقلب است ، قطرات باران مانند قطرات اشک چشم مردم بشدت میبارد ، اما ریزش شدید باران کوچکترین تأثیری در وضع جمعیت ندارد در یک محیط هیجان انگیز ، در یک محیط از هر جهت طوفانی ، نماز در پشت سرفرزند ارشد آیه الله خوانده شد . مقارن همین حال مقبره آیه الله در کنار شهبستان بزرگ مسجد اعظم وجوار حضرت معصومه (سلام الله علیها) آماده میشد ، جمعیت زیادی که در صحن مقدس جانی پیدا نکرده بودند در شهبستان و صحن مسجد اعظم برای شرکت در مراسم دفن دقیقه شماری می کردند . بالاخره در میان یک شور و هیجان نگفتنی بدن آن زهیم بزرگه جهان اسلام بغا که سپرده شد . گرچه صورت پرفروغ او در زیر خاکها از نظر پنهان و بدن پاکش خاموش گشت ولی نه تنها در قم بلکه در تمام شهرستانها و مراکز اسلامی از درودیوار ؛ از بلندگوها ؛ از فراز منابر و از وسط محرابها گویا صدای اوشنیده میشد و آثار عظمت او نمایان بود .

بلافاصله مجلس فاتحه در همان مسجد بزرگ شروع شد ؛ امانه تنها در آن روز بلکه تا روز هفتم مجالس فاتحه و مراسم عزاداری بیچوجه قابل کنترل نبود .



حادثه ای که دنیا را شرق در حیرت ساخت

خبر رحلت پیغمبر بزرگ شیعیان جهان در فاصله بسیار کوتاهی وسیله خبر گزارهای

مهم جهان بتمام دنیا مخابره شد ، و در خارج از ایران هم در تمام محافل خبری منمکس گردید و بعنوان یک حادثه مهم روز در جرائد معروف جهان انتشار یافت .

نه تنها از داخل کشور بلکه از نقاط مختلف گیتی سیل تلگرافات تسلیت بسوی قم سرازیر گشت بلافاصله از طرف دولت ایران عزای عمومی بمدت چند روز اعلام گشت ولی مردم عمداً عزای عمومی را پیش از مدت رسمی برگزار ساختند در غالب نقاط کشور تا سه روز و در بعضی از نقاط تا هفت روز بازارها و منازل بکلی تعطیل بود از طرف دولت « پاکستان » نیز عزای عمومی بمدت چند روز اعلام گردید .

پرچمهای تمام سفارتخانههای بزرگ در تهران از جمله سفارت شوروی ، انگلستان آمریکا و سایر دول غربی بحالت عزا (نیمه افراشته) درآمد ، البته سفراء و نمایندگان دولت های اسلامی در این جریان پیش از سایرین ابراز همدردی نمودند .

خبر فوت زعیم بزرگ جهان تشیع برآستی تمام ایران را تکان داد و تمام طبقات بدون استثناء در این عزای بزرگ دینی شرکت نمودند ، در کلیه نقاط کشور حتی در تمام قصبات و دهات و نقاط دور دست مجالس یاد بود باشکوه و بی سابقه ای در هر کوی و برزن بر پا گردید از بسیاری نقاط اطلاع میدهند که مراسم عزاداری در چند روز اول این حادثه اسفناک حتی از « عاشورا » هم دامنهدارتر و هیجان انگیز تر بوده است ، و رو بهمرفته در همه نقاط کشور خاطر عاشورا یعنی بزرگترین روز سوگواری سال در نظرها تجدید شده است .

معمربین و پیر مردان معترفند که در تمام مدت عمر خود مراسم عزاداری در مرگ هیچ کس با این عظمت و شکوه بخاطر ندارند ، بعضی میگویند از ۶۸ سال قبل که رحلت زعیم بزرگ دیگری از عالم تشیع آیه الله شیرازی واقع شد چنین مراسم عزای و مجالس یاد بودی با این اهمیت برگزار نشده بود تمام سفرای خارجی اعم از سفرای کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در مجالس یاد بود آیه الله که از طرف دربار شاهنشاهی منعقد شده بود شرکت نمودند

پس از ایران در « عراق » و مخصوصاً در « نجف اشرف » و « کربلا » مراسم عزاداری و یاد بود ، باشکوه هر چه تا منتر برگزار گردید ، بطوریکه بعضی از مطلقین از عراق خبر میدهند در چند روز اول این مصیبت بزرگ اسلامی حداقل در هر یک از شهرستانهای کربلا و نجف اشرف روزی لااقل چهل مجالس فاتحه با عظمت تشکیل مبیافت .

شهرستان قم شاید در تمام تاریخ خود مجالس یاد بودی مانند مجالس یاد بود آیه الله بروجردی ، از روز اول رحلت آن مرد بزرگ تا روز هفتم ، بخود ندیده است ، این مجالس که

تاکنون ادامه دارد و تا روز «چهارم» ادامه خواهد داشت اختصاص بحوزه علمیه قم و جامعه روحانیت نداشته و نه تنها در مسجد اعظم و کنار تربت پاک آیه الله فقید بلکه در غالب مساجد و تکایا و بازارهای شهر قم در نقاط مختلف برگزار گردید؛ و هر دسته و صنفی برای درك این افتخار بردیگران پیشی میکردند.

فرهنگیان قم مانند فرهنگیان و دانشجویان دانشگاه تهران و سایر شهرستانها در این عزای بزرگ شرکت نمودند، افراد زیادی از دانشگاه تهران با صفوف منظم و سه اراهای مخصوصی بقم آمده و با کمال علاقه مندی در این مراسم شرکت کردند، کلیه دانش آموزان دبیرستانهای قم در روز هفت آیه الله فقید در مجلسی که در مسجد اعظم برپا بود شرکت کرده و با سخنرانیها و اشعار حزن انگیز خود مراتب اخلاص و علاقه مندی خود را نسبت بمقام پیشوای بزرگ روحانی خود ابراز داشتند.

از روز اول این حادثه بزرگ بعد هیئت های عزاداری از شهرستانهای دور و نزدیک مرتباً بقم وارد شده و پس از عزاداری و تسلیت بیازماندگان حضرت آیه الله و جامعه روحانیت بشهرهای خود باز میگردند. يك قطار مخصوصی حامل هیئت بررگی از عزاداران از کاشان بقم آمد و دسته های بزرگی از بروجرد، ارك، کرمان، اصفهان، همایون شهر، نجف آباد رفسنجان و ساوه و سایر شهرستانها در روزهای مختلف بقم آمده و در مراسم سوگواری شرکت کردند. هنگامیکه اتومبیلهای سیاه پوش دسته های عزاداران شهرستانها با پرچمهای مخصوص وارد خیابانهای قم میشدند و از دور چشمه شان بقبه و پارکگاه حضرت معصومه (سلام الله علیها) و کعبه عظیم مسجد آیه الله فقید آقای بروجردی می افتاد همچنان و شور تازه ای بوسیله بلندگوهای خود دوشهر به راه میگردند، اشعار سوزناک آنها که از دلی سوزان سرچشمه گرفته بود بصورت دستجمعی میخواندند غوغائی برپا میکرد؛ اشعاری ساده اما تکان دهنده بود مانند شمر زیر:

مردمان شهر قم کوسید و سالار ما؟
از برای دیدنش ما این همه راه آمدیم

هم اکنون پیش بینی میشود که روز «چهارم» آنمرد بزرگ نیز يك روز فراموش نشدنی و فوق العاده باشکوه باشد و دسته های زیاد از حالا خود را برای شرکت در آن مراسم آماده میکنند که از نقاط مختلف خود را بقم برسانند و نمونه ای از مراسم عزاداری این پیشوای بزرگ جهان تشیع را از نزدیکه ملاحظه کنند.

در کلیساهای ارامنه و معابد یهودیان و پیروان سایر ادیان نیز مراسم مفصلی بعنوان همدردی با مسلمانان در این عزای بزرگ برگزار گردید و تلگراف های متعددی باین منظور بزرگان روحانیت قم و بازماندگان آیه الله فقید مخابره نمودند.